



Political economy of concour exam; an explanation of Pupils tendency to Empirical science

Mohamad Farhadi ¹✉ | Fatemeh Nori ² | Vakil Ahmadi ³

1. Corresponding Author, Department of sociology, Faculty of social science, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: ma.farhadi@razi.ac.ir
2. Department of sociology, Faculty of social science, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: f.noori59530@gmail.com
3. Department of sociology, Faculty of social science, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: v.ahmadi@razi.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 6 November 2023 Received in revised form 9 January 2023 Accepted 14 Febraury 2024 Published online 19 Febraury 2024</p> <p>Keywords: Political economy,Concour exam, medicalization, privatize education,neoliberalism.</p>	<p>The main topic of this article is to explain the tendency of pupils to the empirical science in the entrance exam. Theoretically, he believes that the status que of concour is the result of political economy relations, and its analysis inevitably includes macroeconomic relations of the society.</p> <p>The research method is critical and examines the obtained data from the perspective of political economy and analyze and reveals the hidden relationships of existing facts.</p> <p>After reviewing the available data, this article introduces medicalization as cause of mass tendency to empirical discipline in concour exam. Medicalization in variant way shapes dominant political economy that this paper introduce some of them.</p> <p>In simple way it make a tempting market for education trading for passing concour exam. By complicated methods changes the main structures of social order to dominant the medical sight on political and economic aspects of life. Medicalization, which is an important part of privatization, contagion this situation to education as well, and privatize education is also accelerated. In this way, medicalization has changed macroeconomic and political relations and subsumed other social arrangements. In describing medicalization, this process can be seen as part of a larger trend called neoliberalism. Depoliticizing and deeconomicizing is the main instrument of medicalizing.</p>

Cite this article: Farhadi, M, Nori, F , & Ahmadi, V. (2024). Political economy of concour exam; an explanation of Pupils tendency to Empirical science. *Sociological Review (Social Science Letter)*, 30 (2), 7- 26.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.367242.1912>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.367242.1912>



اقتصاد سیاسی کنکور

(تبیینی از گرایش دانش‌آموزان به رشته تجربی)

محمد فرهادی^۱ | فاطمه نوری^۲ | وکیل احمدی^۳۱. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: ma.farhadi@razi.ac.ir۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: f.noori59530@gmail.com۳. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: v.ahmadi@razi.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مسئله مرکزی مکتوب حاضر تبیین گرایش دانش‌آموزان به رشته تجربی در کنکور است. به لحاظ نظری استدلال می‌کند وضعیت کنکور رشته تجربی حاصل مناسبات کلان اقتصادی است و تحلیل آن به ناگزیر مناسبات کلان جامعه را وارد تحلیل می‌کند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵	روش متبوع این تحقیق انتقادی است که داده‌های موجود را در پرتو نظریه تحقیق که اقتصادسیاسی است تحلیل می‌کند و دلالت‌های پنهان داده‌ها و عناصر مقوم وضع موجود را آشکار می‌کند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹	پس از مرور داده‌های موجود این مقاله پزشکی‌سازی را علت شکل‌گیری بازار کنکور و گرایش به رشته تجربی معرفی می‌کند. پزشکی‌سازی که خود پاره‌ای مهم از خصوصی‌سازی است، این وضعیت را به آموزش نیز تسری داده و به خصوصی‌سازی آموزش نیز شتاب بخشیده است. به این ترتیب پزشکی‌سازی، مناسبات کلان اقتصادی را تغییر داده و سایر ترتیبات اجتماعی را به خدمت خود درآورده است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵	پزشکی‌سازی با مکانیسم‌هایی مانند تأسیس بازار آموزش از یک سو به خصوصی‌سازی آموزش دامن می‌زند که آن را به نوعی سرمایه‌گذاری تقلیل می‌دهد که بازدهی از مهم‌ترین معیارهای آن است. از این رهگذر رشته تجربی که بازاری پررونق دارد به بازار مطلوب خانواده‌ها و دانش‌آموزان برای سرمایه‌گذاری بدل می‌گردد. از سوی دیگر پزشکی‌سازی با اقتصادزدایی و سیاست‌زدایی از پدیده‌های اجتماعی آن‌ها را تحریف کرده و حل بنیانی مسئله را تعویق به محال می‌کند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰	همچنان که پزشکی را متولی پرداختن به مسائل اجتماعی می‌کند، سیاست را نیز از وظایف خود تبرئه می‌کند و به بازار خود رونق می‌بخشد. در توصیف پزشکی‌سازی می‌توان این فرایند را نیز بخشی از جریانی بزرگ‌تر که به نئولیبرالیسم معروف شده دانست.
کلیدواژه‌ها:	
اقتصادسیاسی، پزشکی‌سازی، خصوصی‌سازی آموزش، کنکور تجربی، نئولیبرالیسم.	

استناد: فرهادی، محمد؛ نوری، فاطمه و وکیل، احمدی (۱۴۰۲). اقتصاد سیاسی کنکور (تبیینی از گرایش دانش‌آموزان به رشته تجربی). مطالعات جامعه‌شناختی (نامه

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.367242.1912>

علوم اجتماعی، ۳۰ (۲)، ۲۶-۷



طرح مسأله

هدف اصلی نهاد آموزش عمومی رفع تبعیض در دستیابی به امتیازاتی است که نابرابر توزیع شده‌اند. از آنجا که آموزش خود امتیازی است که سایر فرصت‌ها و امکانات براساس آن توزیع می‌شود، این نهاد در ترتیبات کلان اقتصادی و سیاسی تنیده شده و تحلیل آن به عمق مناسبات مسلط در جامعه راه می‌برد. نقش آموزش در دستیابی به امتیازات زندگی باعث تشدید رقابت در دسترسی به آن می‌شود. از سوی دیگر کسانی که امکانات یعنی امتیازات اولیه بیشتری دارند شانس بالاتری در دستیابی به دستاوردهای ضروری - آموزش و مهارت - برای امتیازات آتی را کسب می‌کنند و به این ترتیب آموزش می‌تواند به ضد خود بدل شود.

در واقع این مسأله از چالش‌های مهم آموزش در جهان است که کارکردهای آن به کارکرد علی‌ه خود بدل نشود. بسته به نظام آموزشی و مناسبات اقتصادسیاسی یک کشور احتمال کالایی شدن آموزش و طرد فرودستان از سواد و مهارت وجود دارد. براساس ایده کل‌گرایی در علم اجتماع، نهادهای جامعه درهم تنیده هستند و نسبت نزدیک با هم دارند. آموزش نیز از این واقعیت برکنار نیست و لاجرم در وفاق با ترتیبات کلان اقتصادی و سیاسی سازمان می‌یابد.

در ایران آموزش با هدف ورود به دانشگاه دنبال می‌شود که به عنوان منفذ دسترسی به امکانات و امتیازات زندگی محسوب می‌شود. همین مسأله به رقابت کنکور شدت بیشتری بخشیده و ابعاد آن با تمام مناسبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه در هم تنیده و سیاست‌گذاری‌های کلان را وارد مناسباتی کرده که می‌توان از آن با عنوان «بازار کنکور»^۱ یاد کرد. این وضعیت رقابت در کنکور را به معامله‌ای گران برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها، و پرسود برای سوداگران کنکور بدل کرده است. کالایی شدن آموزش و فروش مهارت کنکور باعث شده رقابت از معنا تهی شود و عملاً کسی که توان خرید این مهارت را دارد پیروز میدان باشد. این پدیده مقوله آموزش با کیفیت را مطرح کرده که نابرابری‌های آموزشی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. بر اساس منطق بازار، رقابت در کنکور حول رشته تجربی شکل گرفته که مدخل ورود به رشته‌های پزشکی است که بازار کار و درآمد فریبنده‌ای دارد.

بازار کار پررونق این رشته‌ها حاصل فرایند «پزشکی‌سازی» در ایران است. پزشکی‌سازی نیز خود معلول خصوصی‌سازی بهداشت و درمان است که به دست منطق بازار سپرده شده و برای کسب سود بیشتر نیازمند گشایش بازارهای جدید است، لذا هر روز یکی از عرصه‌های زندگی به عنوان امری پزشکی مطرح می‌شود. به همین دلیل این بازار ظرفیت جذب نیروی کار بالایی دارد که استقبال از رشته تجربی در کنکور گواه آن است.

از پیامدهای بسیار «پزشکی‌سازی» یکی هم شکل‌گیری بازار کنکور است که بواسطه جایگاه پزشکی تضمین شغلی و درآمدی که دست‌کم در تصور عموم دارد باعث گرایش دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها به این رشته شده است. این وضعیت با وجود دسته‌بندی‌های شکل گرفته پیرامون اعتبار دانشگاه‌ها و محدودیت ظرفیت این رشته و دانشگاه‌ها به رقابت شدیدی دامن زده که به کالایی، بازاری و کنکورمحور شدن آموزش دامن زده و گردش مالی هنگفتی به خود اختصاص داده و همین باعث جذب شدن نهادهای عمومی از جمله آموزش و پرورش و صدا و سیما به آن شده است. ابعاد این پدیده تا جایی است که گویی هدف کنکور همین بازاری است که حول آن شکل گرفته است.

^۱ مقصود از بازار کنکور، فرایندی است که طی آن سیاست‌های خصوصی‌سازی به کالایی‌سازی آموزش و سپردن آن به دست بازار منجر شده است. خصوصی‌سازی لزوماً به کالایی‌سازی منجر نمی‌شود و در اینجا مقصود این نیست آزمون استاندارد مانند کنکور لزوماً به کالایی‌سازی آموزش منجر می‌شود بلکه تحقق آن در ایران امروز به این شکل درآمده است.

از مجموع یک میلیون و ۳۹۳ هزار و ۲۷۶ داوطلب کنکور سراسری سال ۱۳۹۹ بیش از ۵۹۴ هزار نفر یعنی نزدیک به ۵۳ درصد شرکت‌کنندگان داوطلب رشته تجربی بوده‌اند. این در حالی است که دانش‌آموزان پایه دوازدهم کشور در این سال ۲۶۲ هزار و ۴۰۲ نفر بوده‌اند و مابقی داوطلبان یعنی بیش از ۳۳۲ هزار نفر از شرکت‌کنندگان از بازماندگان سال‌های قبل بوده‌اند. جمعیت پشت‌کنکوری در رشته‌انسانی در همین سال ۸۶ هزار و در رشته ریاضی ۶۱ هزار نفر بوده است. به عبارت دیگر ۱۸۵ هزار نفر یا ۵۵ درصد پشت‌کنکوری‌ها از رشته تجربی بوده‌اند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۴۰۰: ۲۷).

گرایش دانش‌آموزان و خانواده‌ها و به تبع آن‌ها کل نظام آموزش و بازار به رشته تجربی حاصل نظم کلان سیاسی و اقتصادی است که ابعاد وسیعی دارد. مسأله مرکزی این مکتوب تحلیل گرایش به رشته تجربی براساس مناسبات اقتصادسیاسی مسلط جامعه است. گرایش به رشته تجربی به خودی خود مسأله نیست اما مسیری برای تبیین وضعیت آموزش و پرورش در ایران و تحلیل برخی احتمالات پیش‌روی این نهاد و جامعه در ایران است. از این منظر خصوصی‌سازی سلامت^۱ به عنوان راننده پزشکی‌سازی عمل کرده و این عرصه را به بازاری جذاب بدل کرده‌است. دسترسی به این بازار نیز از رهگذر امکان‌پذیر است که آموزش را به کالایی قابل خرید و فروش تبدیل کرده است. واقع این است تحلیل این رابطه با تجزیه عناصر به فرایندهای مستقل تنها ارزش تحلیلی دارد، اما در عمل هر سه پدیده حاصل خصوصی‌سازی (با اشکال متنوع) به مثابه اقتصادسیاسی مسلط در دو دهه اخیر هستند. رویکرد خصوصی‌سازی باعث شده آموزش نوعی سرمایه‌گذاری محسوب شود که باید بازدهی کافی داشته باشد و بیشترین بازدهی نیز در عرصه پزشکی است.

متکای نظری

اقتصادسیاسی گستره وسیعی دارد و بخش مهمی از اقتصاد و جامعه‌شناسی را دربر می‌گیرد. طبق تعریفی مورد اجماع اقتصادسیاسی عبارت است از اینکه «چه کسی، چه چیزی را، چه وقت و چگونه به‌دست می‌آورد» (کاپوراسو و لوین، ۱۳۹۸: ۲۱) به نقل از لاسول^۲، (۱۹۳۶). این تعریف به توزیع امتیازات و سازوکار نهادی آن راجع است و نظم کلان جامعه و جایگاه آدمیان در این نظم براساس امتیازاتشان را تحلیل می‌کند. در این تلقی نهاد اقتصاد از سیاست و جامعه جدا نیست و نمی‌توان اقتصاد را در انزوای از سایر مناسبات محاط مطالعه کرد. مطالعه عاملان، فرایندها و پیامدهای توزیع منابع که نظم اجتماعی را پدید می‌آورد، رویکردی است که به نام اقتصادسیاسی شناخته می‌شود (ریچ، ۲۰۱۹) آشکار است تکثر تعابیر از اقتصادسیاسی گمراه‌کننده است، اما مناسباتی که توزیع منابع را تعیین کرده و دسترسی گروه‌های مختلف به آن را تعریف می‌کند، تعریف متبوع این مکتوب است (ن.ک کاپوراسو و لوین، ۱۳۹۸). در واقع مقصود از اقتصادسیاسی کنکور، ترتیباتی است که به توزیع امتیاز آموزش برای عده‌ای محدود منجر می‌شود.

^۱ شاخص‌های درمان در ایران از کشورهای منطقه بالاتر است اما در شاخص کیفیت نظام سلامت، پرداخت از جیب شهروندان ایران بابت هزینه‌های سلامت با ۳۵/۸ درصد در رده ۱۱۶ از ۱۸۷ کشور قرار دارد. در حدود ۳۰ درصد جمعیت ایران در صورت مواجهه با عمل جراحی باید بیش از ۱۰ درصد از درآمد خود را برای آن بپردازند. در هزینه‌های کمرشکن جراحی ایران از بین ۱۳۲ کشور رتبه ۹۳ را داراست. در سال ۱۳۹۸ در حدود دو میلیون و پانصد هزار نفر از جمعیت کشور تنها به علت هزینه‌های بهداشت و درمان به زیر خط فقر رفته‌اند (غریب‌نواز، ۱۴۰۰: ۹-۱۱). نکته مهم در این فقره بیرون از نظام سلامت قرار دارد؛ با خصوصی‌سازی خدمات رفاه عمومی توان افراد برای تخصیص بودجه به بهداشت و سلامت کاهش می‌یابد و از این روست که خصوصی‌سازی آموزش بر وضعیت بهداشتی خانوارها تأثیر منفی خواهد گذاشت زیرا بر بودجه خانوار برای نیازهای سلامتی فشار می‌آورد. با این وصف خصوصی‌سازی در سه دهه اخیر پیامدهای بسیاری داشته که تحلیل آن‌ها بخشی از برنامه پژوهشی علوم اجتماعی ایران است.

^۲ . Lasswell

^۳ . Reich

از این منظر کنکور همچنان که حاصل اقتصادسیاسی مستقر است، آن را بازتولید هم می‌کند به این معنا همچنان که کنکور از مناسبات اقتصادسیاسی موجود تغذیه می‌کند، آن را شدت نیز می‌بخشد. کنکور که طبق تعریف رقابت برای گزینش عادلانه افراد است به واسطه اینکه به مهارتی قابل خرید و فروش بدل شده به‌طور سیستماتیک کسانی را که توان خرید آن را ندارند از رقابت کنار می‌گذارد. این وضعیت حاصل خصوصی‌سازی آموزش است که فرایندی جهانی محسوب می‌شود. گرچه قرار بود آموزش در مدرسه نابرابری‌های افراد براساس زمینه اجتماعی‌شان را از بین ببرد از رهگذر خصوصی‌سازی آن نابرابری‌ها را بازتولید و تشدید می‌کند.

کلمن^۱ (۱۹۶۶) از همین موضع به نقش مدارس در بازتولید نابرابری‌های دانش‌آموزان اشاره می‌کند. او در مقاله «مدارس برابر یا دانش‌آموزان برابر؟» تأکید می‌کند «در مقایسه امکانات مدارس، بحث بر سر برابری در مدرسه نیست، مسأله این است دانش‌آموز با چه دستاوردی از مدرسه بیرون می‌آید. تنها وقتی می‌توانیم مدرسه را موفق بدانیم که نابرابری‌های حاصل از پیشینه اجتماعی دانش‌آموزان را کاهش داده باشد (همان). مقصود کلمن مهارت‌هایی است که به دانش‌آموزان فرصت‌های برابر در دسترسی به امتیازات اعطا می‌کند. بنابراین وظیفه مدرسه فائق آمدن به تفاوت‌های اجتماعی اقتصادی دانش‌آموزان است که به کیفیت آموزش دلالت دارد. معیار آموزش عادلانه این است که «فرد فارغ از خاستگاه اجتماعی، در پایان مدرسه چقدر برای رقابت برابر با دیگران تجهیز شده است» (کلمن، ۱۹۶۶: ۷۱-۷۲). کلمن به اهمیت نابرابری‌های پیش از مدرسه اشاره می‌کند که در مدرسه نیز بازتولید و حتی تشدید می‌شوند. او در اهمیت نابرابری‌های پیش از مدرسه تصریح می‌کند حتی سیاه‌پوستانی که احساس کنترل زندگی و تعیین سرنوشت به دست خودشان را داشتند نسبت به دیگر سیاهان عملکرد بهتری در مدرسه داشته‌اند (همان). خصوصی‌سازی آموزش همین قابلیت رفع نابرابری‌های اجتماعی از رهگذر آموزش را خنثی می‌کند.

خصوصی‌سازی آموزش البته فرایندی جهانی است، اما براساس وضعیت اقتصادی کشورها شدت متفاوتی دارد. برای مثال درصد ثبت‌نام مدارس خصوصی در مقطع ابتدایی در کشورهای با درآمد پایین از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ از ۱۱ درصد به ۱۶ درصد رسیده که بیش‌ترین رشد در میان کشورهای جهان را داشته است. این رقم برای کشورهای با درآمد متوسط بالا [که ایران جزو آن‌هاست] از ۳ درصد به ۱۰ درصد افزایش یافته در حالی که در کشورهای با درآمد بالا این رقم از ۹ به ۱۰ درصد رسیده است (ورگر^۲ و دیگران، ۲۰۱۶: ۴). طی دو دهه جمعیت مدارس غیردولتی ایران از ۳/۷ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۱/۴ درصد در سال ۱۳۹۶ رسیده است (کریمیان و مقدسی، ۱۳۹۹: ۶۴). در ایران ۲۲ گونه مدرسه وجود دارد و تنها تعداد مدارس غیرانتفاعی از ۲۰۱ مدرسه در سال ۱۳۷۲ به ۱۲۹۵۴ مدرسه در سال ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵: ۱۷).

رأیه خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف، متفاوت بوده است. تا جایی که به موضع این مکتوب مربوط می‌شود «پزشکی‌سازی» یکی از عوامل مهم خصوصی‌سازی آموزش در ایران بوده است. پزشکی‌سازی فرایند تقلیل پدیده‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به امر پزشکی است (کنراد^۳، ۲۰۰۷: ۴). پزشکی‌سازی مفهومی فربه است که در تحلیل‌های فوکو از زیست‌سیاست^۴ ریشه دارد (فوکو، ۱۳۹۹) که از آن به عنوان «تکنولوژی حکمرانی» یاد می‌کند. این مفهوم گستره وسیعی دارد، اما تا جایی که به این نوشته مربوط است، تقلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی به امری زیستی و پزشکی بخشی از سیاست مسلط است که دولت را از وظایف عمومی خود تبرئه کرده و بار مسئولیت سلامت را به دوش فرد می‌گذارد (ریبلینگ، ۲۰۲۳: ۳). بیماری‌ها، زمینه‌های اجتماعی و سیاسی دارند،

1. Coleman

2. Verger

3. Conrad

4. biopolitics

به عبارتی الگوی ابتلای افراد به بیماری منطبق با مرزهای طبقاتی و پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد است اما رویکرد پزشکی آن را به پدیده‌ای فردی و زیستی تقلیل می‌دهد تا در قلمرو صلاحیت درمان و پزشکی قرار گیرد و به این ترتیب ابعاد مرتبط با اقتصادسیاسی بیماری‌ها پوشانده می‌شود (سلیمی و همکاران، ۱۴۰۱). روان‌شناسی‌سازی نیز بر همین قیاس از منطق پزشکی‌سازی تبعیت می‌کند؛ وضعیت‌هایی که حاصل مناسبات سیاسی و اقتصادی است را به پدیده‌ای فردی تقلیل می‌دهد و دولت را از وظایف خود تبرئه می‌کند (فرهادی، ۱۴۰۲). این فرایندی است که فوکو به نام نئولیبرالیسم به مثابه شیوه حکمرانی تحلیل می‌کند (تورکن، ۲۰۱۶).

پزشکی‌سازی - که روان‌شناسی‌سازی نیز پاره‌ای از آن است - باعث تسلط نگاه پزشکی بر عرصه‌های متعدد زندگی شده و حوزه صلاحیت شغلی آن را گسترش داده است. پزشکی‌سازی پدیده‌های اجتماعی مانند بیماری‌ها، زیبایی، اعتیاد، کجروی و سلامت روان را که زمینه‌های اجتماعی اقتصادی دارند به امری فردی، زیستی و روانی تقلیل داده است. مفهوم «تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت» ناظر بر این است که «سلامت افراد نه فقط از رهگذر سبک زندگی فردی یا ژنتیک بلکه همچنین از سوی عوامل اجتماعی نظیر پایگاه اقتصادی اجتماعی و روابط جمعی افراد تعیین می‌شود (کاندو، ۲۰۲۰: ۷).

با این وصف نادیده‌انگاشتن ترتیبات اجتماعی و اقتصادی در سلامت و بیماری چیزی است که پزشکی‌سازی می‌نامیم و همین فرایند است که به اقتدار اقتصادی و منزلتی پزشکی منجر شده و فرصت‌های شغلی بیشتری در این حوزه پدید آورده که باعث جلب توجه دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان به رشته تجربی در کنکور شده که به رقابت شدید در این عرصه دامن زده است. خانواده‌ها برای عبور از سد کنکور به آموزش‌های خاص و متمرکز بر این آزمون رو آورده‌اند و هزینه بسیاری برای خرید خدمات آموزشی برای موفقیت در کنکور تجربی متحمل می‌شوند زیرا آن‌را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند که آینده شغلی فرزندان را تضمین می‌کند. از این منظر، پزشکی‌سازی به شکل‌گیری مناسبات فراگیری منجر شده که ساختار اجتماعی را دستخوش تغییر کرده که کنکور یکی از آن‌هاست. علت گستردگی این پدیده هم گردش مالی هنگفتی است که حول کنکور پدید آمده و در حال فرو بردن نظام آموزش و کل مناسبات اجتماعی است. این مقاله تلاش می‌کند برخی از ابعاد این پدیده را توضیح داده و از منظر اقتصادسیاسی تبیین کند.

روش تحقیق

روش تحقیق در تناظر با مسأله تحقیق قرار دارد و باید به روابط و مناسباتی که در طرح مسأله معرفی شده حساس باشد و آن‌ها را به دام تحلیل بیندازد. از این منظر با توجه به این که مسأله این تحقیق مطالعه روابط و مناسبات پنهان منجر به وضعیت کنکور تجربی است، روش تحقیق نیز انتقادی است. روش انتقادی بازخوانی داده‌های موجود در پرتو رویکردی نظری است که در این مکتوب مناسبات اقتصادسیاسی است. در این روش دلالت‌های پنهان داده‌ها در پرتو نظریه آشکار می‌شوند و از این جهت به نوع داده‌ها حساس نیست. روش انتقادی ساختارهای جالفتاده را دست‌نخورده باقی نمی‌گذارد و مناسبات و ترتیبات کلان را در فهم یک پدیده مورد بازاندیشی قرار می‌دهد (مونسی^۱، ۲۰۰۶: ۵۱).

از منظر مسأله این مکتوب نمونه‌گیری موضوعیت ندارد و کنکور رشته تجربی به مثابه یک مسأله در سطح مناسبات ساختاری کلان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. داده‌های تحقیق از اسناد و گزارشات رسمی فراهم آمده و اعتبار آن‌ها آزموده شده است. شیوه تجزیه و تحلیل نظری و با رویکرد اقتصادسیاسی است. براین اساس دلالت‌های کشف‌شده نظری و تجربی داده‌ها نتیجه تحقیق تلقی

^۱ . Muncie

می‌شود. اعتبار این روش متکی به اعتبار نظریه متبوع تحقیق یعنی اقتصاد سیاسی است. سازگاری درونی در این روش مهم‌ترین معیار اعتبار تحلیل‌هاست. اگر این نوشته بتواند تبیینی از چرایی وضعیت کنکور تجربی فراهم آورد و آن را توجیه کند، اعتبار آن هم تأمین شده است. براین اساس اعتبار این روش درونی و نظری است، لذا بخشی از اعتبار تحقیق همواره پس از انتشار و عرضه به عرصه صاحب‌نظران فراهم می‌آید.

تحلیل یافته‌ها

وضعیت کنکور در رشته تجربی حاصل تاریخی طولانی و برهم‌کنش عوامل متعدد است. عواملی از جمله مناسبات کلان بین‌المللی و تحولات سیاسی و اقتصادی داخلی به این وضعیت دامن زده‌است. یافته‌های تحقیق مؤلفه‌های مختلف این پدیده را توضیح می‌دهد و براساس روش متبوع تحقیق نسبت میان آن‌ها را تبیین می‌کند.

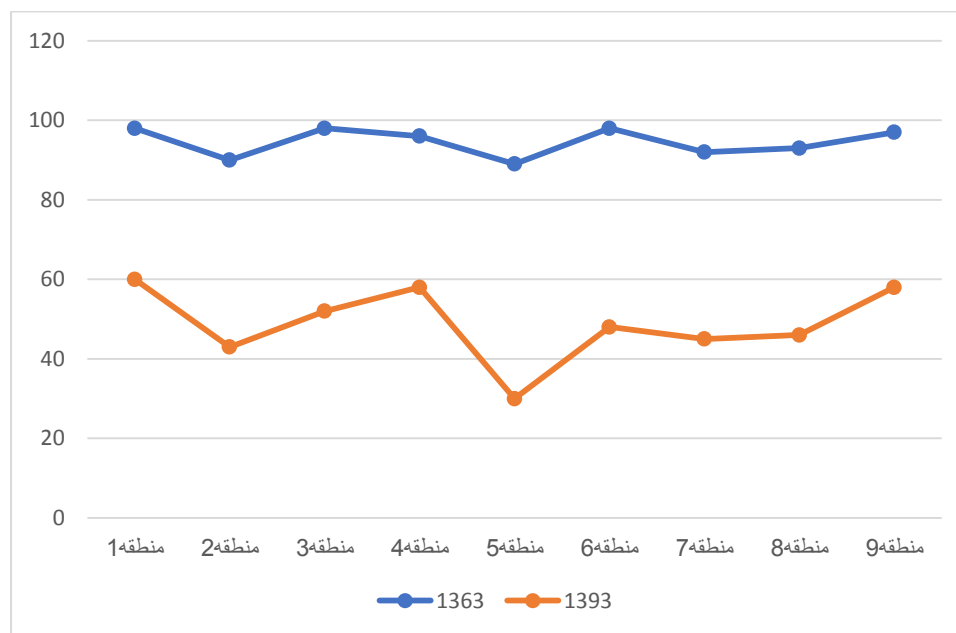
آموزش عمومی در کشورها با دو مقوله معرفی می‌شود؛ اول نرخ باسوادی و دوم کیفیت آموزش. مقصود از نرخ باسوادی جمعیت باسواد ۶ ساله و بالاتر است و کیفیت آموزش به عملکرد دانش‌آموزان فارغ از زمینه اجتماعی-اقتصادی آن‌ها می‌پردازد. در ادامه در بخش اول پوشش آموزش و در گام دوم کیفیت آموزش مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه شواهد بازار کنکور ارائه می‌شود و در بخش نتیجه‌گیری پیوند میان این موارد و دلالت‌های آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وضعیت آموزش

نرخ پوشش پیش دبستانی در ایران ۴۲ تا ۵۸ درصد و نرخ ثبت‌نام ناخالص ۳۵ درصد اعلام شده است. نرخ مشارکت دولت در مقطع پیش‌دبستانی صفر بوده است (کریمیان و مقدسی، ۱۳۹۹: ۲۳). نرخ پوشش مقطع ابتدایی در کل کشور ۹۸/۷ درصد است، اما در مناطق محروم سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی این رقم ۹۰ درصد است (همان، ۲۶). به نظر می‌رسد پوشش آموزش نیز تابعی از سطح توسعه استان‌هاست.

البته وضعیت پوشش تحصیلی در سه دهه اخیر رشد چشم‌گیری داشته است؛ در سال ۱۳۶۵ حدود ۳۹ درصد جمعیت کشور بی‌سواد بوده‌اند، این رقم در سال ۱۳۹۵ به ۱۲/۴ درصد کاهش یافته‌است. فقر آموزش^۱ در مناطق شهری از ۷۵ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۲۵ درصد در سال ۹۰ رسیده که کاهش ۵۰ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین فقر آموزش در مناطق روستایی از ۹۵ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۵۱ درصد در سال ۹۰ رسیده است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۹: ۲۲). براین اساس، با وجود کاهش فقر آموزشی در کل کشور، شکاف میان شهر و روستا برقرار است. علاوه بر این، شکاف میان مناطق آموزشی کشور نیز به قوت خود باقی است و در مواردی تشدید شده است.

۱. فقر آموزش با دو مقوله عوامل مستقیم مربوط به خانواده کودک و عوامل مستقیم مربوط به مدرسه اندازه‌گیری می‌شود. نرخ فقر پولی کودکان، نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین، شاخص کمبود منابع یادگیری در خانه، شاخص دوزبانه بودن کودک، شاخص کمبود فعالیت‌های عددی و سوادآموزی پیش از دبستان، نرخ پوشش پیش از دبستان را دربر می‌گیرد. عوامل مربوط به مدرسه نیز شعاع دسترسی، نرخ اتصال به اینترنت، نسبت مدارس مناسب برای دانش‌آموزان استثنایی، تراکم کلاس، تمرکز فقر، نسبت کلاس‌های چندپایه، نسبت دانش‌آموز به معلم، نسبت کارکنان تخصصی، شاخص حداقل تحصیلات رسمی معلمان را در بر می‌گیرد (پیروزراهی، ۱۴۰۰: ۲۰).



نمودار ۱: روند شکاف منطقه‌ای^۱ شهری و روستایی در فقر آموزش (همان به نقل از حسن‌زاده و راغفر، ۱۳۹۲)

نمودار ۱ فقر آموزش در شهر و روستا را در مناطق آموزشی ترکیب کرده است. با وجود شکاف میان مناطق آموزشی می‌توان گفت توزیع آموزش براساس توسعه مناطق انجام شده و آموزش از الگوی سطح اقتصادی تبعیت می‌کند. براین اساس کاهش فقر آموزش موقوف به کاهش فقر اقتصادی و جبران فاصله میان مناطق است. این الگو در میان خانوارها نیز صادق است؛ اثربخشی آموزش کودکان به وضعیت اقتصادی خانوار آن‌ها وابسته است و کاهش شکاف طبقاتی مهم‌ترین راهکار کاهش فقر آموزشی است. این وضعیت در سطوح بالاتر تحصیلی نیز وجود دارد. حدود ۳۰ درصد از جمعیت ۱۸ تا ۲۴ ساله کشور تحصیلات متوسطه دوم ندارند. این رقم در اروپا ۱۰ درصد است (پیروزراهی، ۱۴۰۰: ۹). نرخ بازماندگی از تحصیل از شش تا هجده سالگی محل اختلاف است؛ مرکز پژوهش‌های مجلس آن را ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر و آموزش و پرورش حدود ۷۰۰ هزار نفر اعلام کرده‌اند، در حالی که آمارهای غیررسمی این رقم را تا ۳ میلیون نفر برآورد می‌کنند (کریمیان و مقدسی، ۱۳۹۹: ۴۸). در مورد بازماندگان از تحصیل در دوره کرونا نیز آمار رسمی منتشر نشده اما وزیر وقت آموزش و پرورش آمار ۳ میلیون دانش‌آموزی که به تجهیزات آموزش مجازی دسترسی ندارند را تأیید کرده است (حاجی‌میرزایی، ۱۴۰۰).

نرخ ماندگاری یا شاخص ترک تحصیل یکی دیگر از عناصر پوشش تحصیلی است که نشان‌دهنده وضعیت آموزش در یک کشور است. نرخ ماندگاری در مقطع ابتدایی ۹۸/۹ و در مقطع متوسطه اول ۹۶/۶ درصد است. با این حال شکاف استانی در این شاخص هم منطبق با سطح توسعه استان‌هاست؛ نرخ ترک تحصیل در سیستان و بلوچستان ۵/۳، لرستان ۳/۵، کهگیلویه و بویراحمد ۳/۳ در

۱. منطقه ۱: آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل؛ منطقه ۲: استان‌های شمالی؛ منطقه ۳: گلستان، خراسان رضوی، خراسان شمالی و سمنان؛ منطقه ۴: سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و هرمزگان؛ منطقه ۵: استان تهران؛ منطقه ۶: قم، مرکزی، قزوین؛ منطقه ۷: اصفهان، یزد و فارس؛ منطقه ۸: بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و خوزستان؛ منطقه ۹: لرستان، ایلام، کرمانشاه، همدان، کردستان و زنجان.

ابتدایی و [در مقطع متوسطه اول] سیستان و بلوچستان ۹/۷، آذربایجان غربی ۵ و خراسان شمالی نیز با ۵ درصد بیشترین نرخ ترک تحصیل را دارند (کریمیان و مقدسی، ۱۳۹۹: ۲۸).

متوسط سالانه هزینه تحصیل و آموزش یک خانوار شهری کل کشور در سال ۹۵ حدود ۶۱۱ هزار تومان بوده است؛ این رقم برای سیستان و بلوچستان ۳۴۹ هزار تومان، لرستان ۴۶۰ هزار، کهگیلویه و بویراحمد ۳۷۹ هزار، آذربایجان غربی ۲۷۹ هزار و خراسان شمالی ۵۶۰ هزار تومان بوده است که همه پایین‌تر از متوسط کشوری هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). برای تدقیق آمار و روشن شدن معنای هزینه آموزش می‌توان درآمد خانوارهای این استان‌ها را گواه گرفت؛ متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری در کل کشور در سال ۹۵ حدود ۳۱ میلیون تومان بوده است. این رقم برای سیستان و بلوچستان ۲۳ میلیون، لرستان ۲۵ میلیون، کهگیلویه و بویراحمد ۲۵ میلیون، آذربایجان غربی ۲۱ میلیون و خراسان شمالی ۲۸ میلیون تومان بوده است که پایین‌تر از متوسط کشوری هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بر اساس مطالعه شاخص‌های توسعه انسانی نیز رتبه توسعه سیستان و بلوچستان در میان استان‌ها ۳۱، خراسان شمالی ۲۷، لرستان ۲۵، آذربایجان غربی ۲۳ و کهگیلویه ۱۲ بوده است (فرهادی و میری، ۱۴۰۲). با توجه به آمارهای موجود می‌توان گفت سطح آموزش، وابسته به وضعیت اقتصادی در مقیاس استان است. هرچه سطح اقتصادی پایین‌تر باشد، دسترسی به آموزش هم کم می‌شود. درهم‌تنیدگی وضعیت اقتصادی و آموزش، اهمیت آموزش ارزان و در دسترس برای توسعه کشور را نشان می‌دهد.

خصوصی‌سازی و پیامدها

سابقه خصوصی‌سازی آموزش و پرورش به پیش از انقلاب برمی‌گردد اما پس از انقلاب این روند مدتی متوقف شد. با شدت یافتن این فرایند از آغاز دهه ۷۰ در ایران سهم مدارس خصوصی از آموزش از ۵ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۴ درصد در سال ۹۶ رسید (کریمیان و مقدسی، ۱۳۹۹: ۴۲). با اصلاح قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب سال ۶۷ در سال ۱۳۸۷ سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تأسیس گردید. بر اساس این قانون ۵ تا ۱۵ درصد از شهریه این مراکز در اختیار این سازمان قرار می‌گیرد (همان، ۵۸). همچنین به منظور حمایت از مؤسسان مدارس غیردولتی با اولویت مناطق محروم، وزارت آموزش و پرورش موظف است با مشارکت مؤسسان و بخش غیردولتی، صندوق حمایت از توسعه مدارس غیردولتی را به صورت مؤسسه عمومی غیردولتی ایجاد کند. براین اساس دولت موظف شد هر ساله تا سقف ۵۰ درصد از هزینه سرانه دانش‌آموزان در بخش دولتی را به عنوان کمک به مدارس غیردولتی در لایحه بودجه پیش‌بینی کند (همان).

همچنین بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در سال ۱۳۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و ابلاغ شد، دو فقره از راهکارهای پیشنهادی برای این تحول عبارتند از «توسعه مشارکت بخش‌های خصوصی و غیردولتی در انجام امور مربوط به تولید، چاپ و توزیع مواد و منابع آموزشی در چارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش (راهکار ۳-۹) و تقویت و گسترش مدارس غیردولتی با اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات موجود (راهکار ۴-۹)» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۴۴).

در راستای تقویت بخش خصوصی در آموزش و پرورش «براساس ماده ۱۰ قانون مدارس غیردولتی مصوب سال ۱۳۹۵ در مجلس، کارکنان آموزش و پرورش می‌توانند از تسهیلات کم‌بهره در زمینه خرید زمین، ساختمان، احداث بنا، تجهیزات و تعمیرات مدارس غیردولتی استفاده کنند. بانک‌های کشور موظف‌اند طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا با معرفی آموزش و پرورش ۳۵ تا ۵۰

درصد نیاز مالی مؤسسات مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی و تجهیزات و امکانات مورد نیاز آن‌ها را به صورت قرض‌الحسنه تأمین کنند» (کریمیان و مقدسی، ۱۳۹۹: ۴۲).

روند خصوصی‌سازی آموزش و پرورش به تدریج فراگیرتر شد و در بند تبصره ۲۰ قانون بودجه سال ۱۳۹۸ به اوج رسید. «دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۲۵ [روزنامه رسمی] قانون برنامه ششم توسعه با رعایت احکام این ماده، مکلف به تأمین حداقل ۱۰ درصد از وظایف این ماده از طریق واگذاری و خرید خدمات می‌باشند» (قانون بودجه ۱۳۹۸). همچنین در بند ه تبصره ۹ همین قانون به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده شده است با تغییر کاربری فضاهای آموزشی، ورزشی و تربیتی از آن‌ها درآمدزایی کند (همان). یعنی آموزش و پرورش طبق قانون مجاز است سالیانه تا ۱۰ درصد از دانش‌آموزان را به بخش خصوصی واگذار کند. این هدف با سازوکارهای مختلفی دنبال می‌شود؛ از جمله واگذاری و بهره‌برداری تجاری از ساختمان‌های آموزش و پرورش یا خرید صندلی در مدارس غیردولتی.

بواسطه سیاست‌های خصوصی‌سازی سهم بودجه آموزش و پرورش از بودجه دولت در طول سه دهه از ۱۹ به ۱۰ درصد کاهش یافته است (کریمیان و مقدسی، ۱۳۹۹: ۵۵). میانگین سهم بودجه آموزش و پرورش عمومی نسبت به سهم کل بودجه کشورهای با درآمد متوسط بالا (مشابه ایران) ۱۳/۹ درصد است که این رقم برای ایران ۱۰ درصد است (همان، ۶۰). بر اساس گزارش یونسکو دولت در کشورهای مرفه بیش از ۸۰ درصد هزینه‌های آموزش عمومی را به عهده دارد. این عدد در کشورهای با درآمد متوسط بالا ۷۰ درصد و در کشورهای فقیر ۶۰ درصد است. در ایران دولت ۵۴ درصد هزینه‌های آموزش عمومی را تأمین می‌کند و مابقی ۴۶ درصد هزینه‌های آموزش به عهده مردم است (کریمیان و مقدسی، ۱۳۹۹: ۶۱).

جدول ۱: سهم نسبی منابع خصوصی و عمومی در تأمین مخارج آموزشی (۱۹۹۹) (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵)

تمام سطوح آموزشی		دانشگاهی		ابتدایی و متوسطه		
منابع خصوصی	منابع عمومی	منابع خصوصی	منابع عمومی	منابع خصوصی	منابع عمومی	
۲۸/۳	۷۱/۷	۳۷/۲	۶۲/۸	۲۱/۷	۷۸/۳	متوسط کشورهای عضو WEI ^۲
۱۲/۰	۸۸/۰	۲۰/۸	۷۹/۲	۷/۹	۹۲/۱	متوسط کشورهای عضو OECD ^۳

نتایج فرایند خصوصی‌سازی آموزش خیلی زود آشکار شده است و می‌توان گفت خصوصی‌سازی باعث طبقاتی شدن یادگیری شده است. براساس مطالعه مقایسه‌ای نمرات دانش‌آموزان ایرانی در آزمون‌های تیمز و پرلز^۴ در سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۵، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۳ نابرابری میان شهر و روستا و همچنین فقیر و غنی آشکار است (مقدسی و کریمیان، ۱۳۹۹: ۵۶). در مقایسه عملکرد دانش‌آموزان

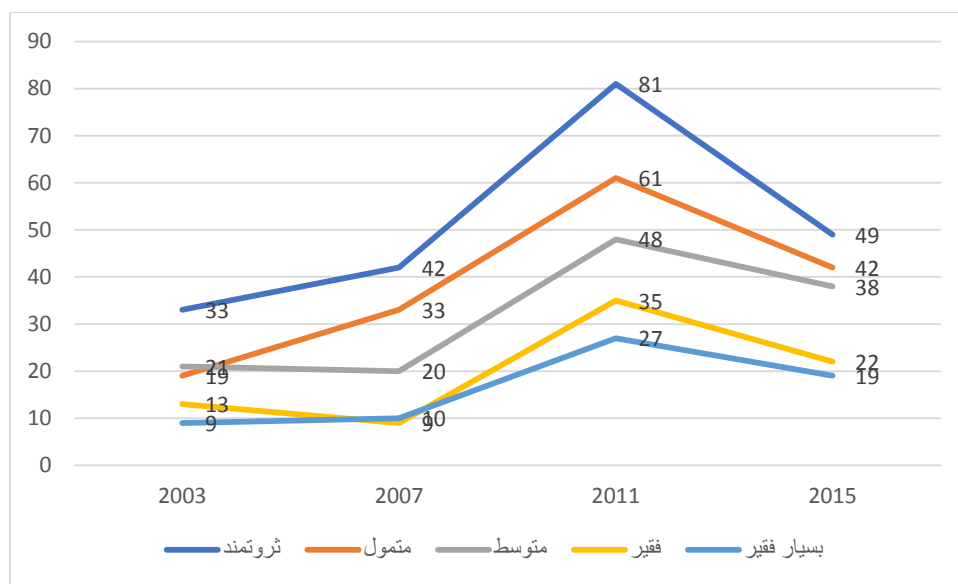
^۱ . <https://bit.ly/34f4cXU>

^۲ شامل کشورهای آرژانتین، شیلی، چین، هند، اندونزی، جامائیکا، اردن، مالزی، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، تایلند و اروگوئه می‌باشد.

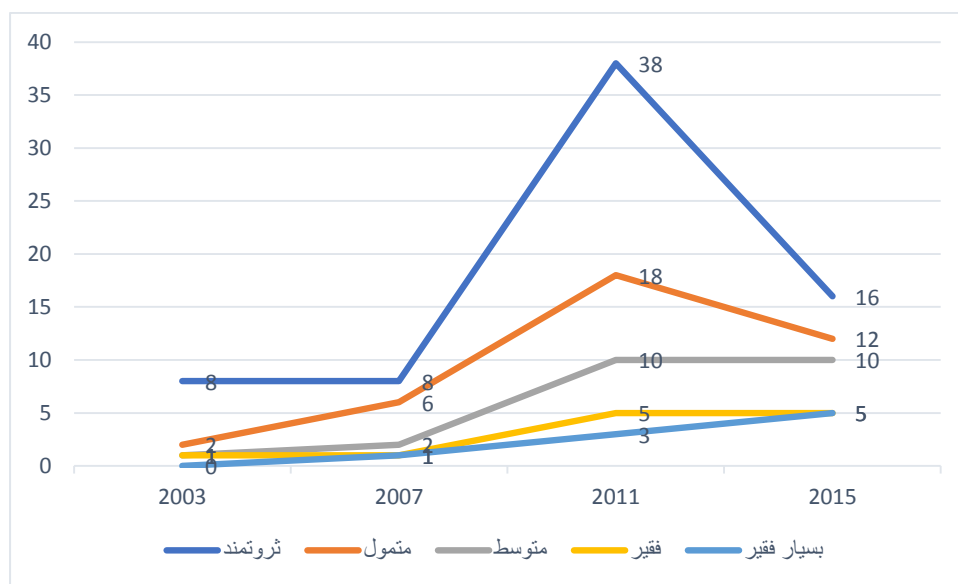
^۳ شامل کشورهایی مانند استرالیا، اتریش، بلژیک، چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، انگلستان و آمریکا و ...

^۴ TIMSS and PIRLS آزمون‌های بین‌المللی برای سنجش مهارت دانش‌آموزان در علوم، ریاضی و خواندن هستند.

دبستانی در آزمون تیمز سطح ۱ (آسان)، ۲ (سخت) و ۳ (نسبتاً سخت) درس ریاضی براساس جایگاه طبقاتی، تفاوتی معنادار قابل مشاهده است. عملکرد دانش‌آموزان با طبقه درآمدی بالا در همه دوره‌ها بهتر است.



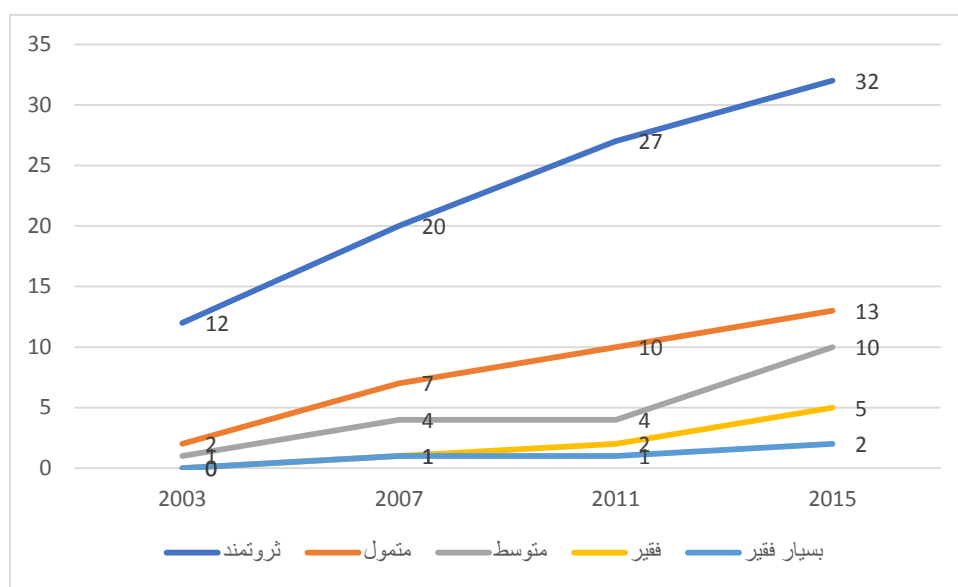
نمودار ۲: مقایسه عملکرد دانش‌آموزان دبستانی در سطح ۲ آزمون تیمز (ریاضی) به تفکیک طبقه درآمدی در ایران (مقدسی و کریمیان، ۱۳۹۹: ۵۶)



نمودار ۳: مقایسه عملکرد دانش‌آموزان دبستانی در سطح ۳ آزمون تیمز (ریاضی) به تفکیک طبقه درآمدی در ایران (همان)

در نمودار ۲۱ نسبت طبقه درآمدی دانش‌آموزان با نمره آن‌ها در ریاضی دبستان در دو سطح نسبتاً آسان و نسبتاً سخت قابل مشاهده است. این رتبه‌بندی براساس طبقه درآمدی در سایر سطوح دشواری نیز برقرار است. در سطح ۴ (سخت) تفاوت بسیار بیشتر می‌شود و عملکرد گروه ثروتمند و گروه متمول بسیار بالاتر از سایر گروه‌هاست. دو گروه فقیر و بسیار فقیر هیچ امتیازی در آزمون سطح ۴ کسب نکرده‌اند (همان، ۵۷).

این رتبه‌بندی در میان گروه‌های طبقاتی دانش‌آموزان در درس ریاضی مقطع راهنمایی در هر چهار سطح دشواری نیز برقرار است. نمودار ۳ این نسبت را برای ریاضیات راهنمایی سطح ۳ نشان می‌دهد.



نمودار ۴: مقایسه عملکرد دانش‌آموزان مقطع راهنمایی در سطح ۳ آزمون تیمز (ریاضی) به تفکیک طبقه درآمدی در ایران (همان، ۵۷)

در آزمون علوم نیز میان گروه‌های درآمدی در هر دو مقطع دبستان و راهنمایی و در همه سطوح دشواری تفاوت معنادار وجود دارد و دانش‌آموزان گروه درآمدی پایین عملکرد ضعیف‌تری از طبقه بالاتر از خود داشته‌اند (همان، ۵۶-۶۰). براساس اطلاعات نمودارها اهمیت پایگاه طبقاتی در آموزش و فرایند یادگیری قابل مشاهده است. دانش‌آموزان با پایگاه درآمدی بالا تا ۴ برابر عملکرد بهتری نسبت به دانش‌آموزان فقیر داشته‌اند و هرچه پایگاه طبقاتی بالاتر می‌رود عملکرد دانش‌آموزان نیز بهبود می‌یابد و با وجود کم و زیاد شدن فاصله در سطوح مختلف دشواری آزمون، تفاوت همچنان حفظ شده است (مقدسی و کریمیان، ۱۴۰۰). در سطح ۴ (دشواری‌ترین) در هر دو درس ریاضی و علوم در هر دو مقطع دبستان و راهنمایی طبقه بسیار فقیر هیچ امتیازی کسب نکرده‌اند.

در آزمون پرلز (مهارت‌های خواندن) نیز شکاف میان فقیر و غنی در تفاوت شهر و روستا تجلی پیدا کرده است. میانگین نمرات دانش‌آموزان شهرنشین در سطوح ۱، ۲، ۳ دشواری، ۲ تا ۳ برابر معدل دانش‌آموزان روستایی است (همان، ۳۱). تفاوت شهر و روستا در این آزمون معادل شکاف طبقاتی است و گرچه فقر در شهر و روستا یک نتیجه دارد، اما به واسطه سطح عمومی اقتصادی در شهر

معدل آن با روستا متفاوت شده است. میانگین نمرات آزمون نهایی متوسطه دوم در سطح کشور این تحلیل را تأیید می‌کند. میانگین نمرات بهترین شهر یعنی تهران ۱۴/۴ و کهگیلویه و بویراحمد به عنوان ضعیف‌ترین استان ۱۰/۹ است (پیروزراهی، ۱۴۰۰: ۱۰). میانگین نمره ریاضیات و علوم ۳۲ درصد از دانش‌آموزان پایه چهارم و هشتم ایران در سال ۲۰۱۹ کمتر از ۴۰۰ (فقر آموزش) بوده که کمترین سطح صلاحیت در این درس‌هاست. شاخص بین‌المللی این عدد ۸ درصد است (همان). این شکاف در سطح دبستان را می‌توان برای تفاوت عملکرد در سطوح بالای تحصیلی گواه گرفت. بازخوانی نتایج کنکور نسبت جایگاه طبقاتی و عملکرد تحصیلی را روشن‌تر می‌کند.

جدول ۲: سهم رتبه‌های زیر سه هزار کنکور ۹۹ به تفکیک گروه آزمایشی و نوع مدرسه (وزارت آموزش و پرورش، ۱۴۰۰: ۳۶)

نوع مدرسه	سهم از پوشش دانش‌آموزان دوازدهم	سهم از رتبه‌های زیر ۳ هزار	سهم از جمعیت پایه دوازدهم	تناسب رتبه‌های برتر به نسبت جمعیت تحت پوشش به تفکیک رشته		
				انسانی	تجربی	ریاضی
استعداد درخشان	۳/۵	۳۸	۳/۴	۳۰/۲	۱۱/۲	۸/۱
نمونه دولتی	۹	۲۴/۴	۸/۷	۶/۲	۱/۶	۱/۳
غیردولتی	۱۹	۱۸/۸	۱۹/۴	۱	۰/۵۳	۱/۱
دولتی عادی	۵۳/۵	۹/۷	۵۳/۵	۰/۳۱	۰/۰۷	۰/۰۷
هیأت امنایی	۱۰	۵/۹	۹/۸	۱/۳	۰/۱۲	۰/۳۳
شاهد	۵	۲/۱	۴/۹	۱/۲	۰/۱۸	۰/۱۵

بر اساس اطلاعات جدول ۱ بیش از ۵۳ درصد دانش‌آموزان پایه دوازدهم در مدارس دولتی تحصیل می‌کنند، اما تنها ۹/۷ درصد رتبه‌های زیر ۳ هزار را به‌دست آورده‌اند. در حالی که انواع مدارس غیردولتی ۹۰ درصد رتبه‌های زیر ۳ هزار را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان مدارس استعداد درخشان با ۳/۵ درصد جمعیت ۳۸ درصد رتبه‌ای زیر ۳ هزار را به‌دست آورده‌اند. مدارس نمونه دولتی با ۹ درصد جمعیت، بیش از ۲۴ درصد از افراد حائز رتبه‌های زیر ۳ هزار را تشکیل می‌دهند. مدارس غیردولتی نیز با ۱۹ درصد جمعیت، ۱۸/۸ درصد رتبه‌ها را کسب کرده‌اند.

مقایسه توزیع رتبه‌ها در انواع مدارس نشان می‌دهد مدارس خاص در آزمون کنکور موفق‌تر عمل کرده‌اند. بیشترین درصد به نسبت جمعیت مربوط به مدارس استعداد درخشان و نمونه دولتی است که ورود به این مدارس نیازمند آموزش خاص است که طبقات بالا دسترسی بیشتری به آن دارند. این ادعا در پرتو تحلیل سهم رشته‌ها را در نظر بگیریم؛ در مقایسه رتبه‌های انواع مدارس در رشته انسانی، مدارس دولتی عملکرد قابل قبولی داشته‌اند؛ شاید به این دلیل که علوم انسانی بواسطه بازار کار رشته‌های دانشگاهی هنوز کالایی و بازاری نشده است. مدارس خاص در رشته‌های ریاضی و تجربی عملکرد بهتری داشته‌اند. این مدارس مختص رقابت کنکور طراحی شده‌اند و به نوعی آیین تشریف در کنکور را اجرا می‌کنند. این ادعا وقتی تقویت می‌شود که آمار مناطق سه‌گانه در رتبه‌های زیر ۳ هزار را در نظر بگیریم؛ ۴۲ درصد رتبه‌های زیر ۳ هزار متعلق به منطقه ۱، ۲۴ درصد منطقه ۲

و ۱۳ درصد منطقه ۳. سهم ۳ برابری منطقه ۱ نسبت به منطقه ۳ با توجه به جمعیت ۱/۵ برابری منطقه ۳ نشانه نابرابری شدید این مناطق در کنکور است (همان، ۵۹).

بازار کنکور

گردش مالی بازار کنکور با بودجه آموزش و پرورش برابری می‌کند. درحالی که کل بودجه وزارت آموزش و پرورش در سال ۹۸ حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان بوده (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۹: ۵۴) درآمد مؤسسات کنکور ۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است (بطحائی، ۱۳۹۷).

آموزش و پرورش برای بهره‌مندی از منافع بازار کنکور به‌طور رسمی وارد این بازار شده و مؤسسه کمک آموزشی مرآت و اپلیکیشن آن را تأسیس کرده است (کریمیان و مقدسی، ۱۳۹۹: ۴۴). بجز این آموزش و پرورش با دریافت ۵ درصد از درآمدهای مؤسسات آموزشی کنکور از توسعه این بازار منتفع می‌شود (همان). وسوسه سود این بازار یک تشکیلات غیررسمی پدید آورده که مدارس، مدیران، معلمان و مؤسسات کنکوری ذیل آن به بده‌بستان مشغولند. مدیران برخی مدارس دولتی ساعاتی از زمان حضور دانش‌آموزان در مدرسه به‌ویژه در پایه پیش‌دانشگاهی را به مشاوران آموزشی، مؤسسات کمک آموزشی و ناشران کتب کمک درسی اجاره می‌دهند (همان، ۵۰). از سوی دیگر معلمان به بازاریاب کتاب‌های کمک آموزشی بدل شده‌اند و از معرفی کتاب‌ها به دانش‌آموزان درصد می‌گیرند (همان، ۵۱). نفوذ این مؤسسات در نظام آموزش عمومی به حدی است که معاون اجتماعی وزارت رفاه معتقد است سیاست تغییرات مداوم در کتب درسی در جهت منافع ناشران کتاب‌های کمک درسی تنظیم شده است (همان، ۳۸). کنکور همچنین بخش مهمی از بازار نشر را در انحصار خود درآورده است. ناشران کتاب‌های کمک‌درسی تا جایی پیش رفته‌اند که «نسخه اولیه کتاب [درسی] را از تایپیست دفتر تألیف یا از مأمور تحویل نسخه کتاب به چاپخانه یا از خود چاپخانه خریداری می‌کنند تا متن کمک‌درسی آن‌را همزمان با انتشار کتاب درسی وارد بازار کنند» (همان، ۴۳).

سازمان سنجش که وظیفه برگزاری کنکور را به عهده دارد خود به یکی از مؤسسات کمک‌آموزشی کنکور بدل شده و با برگزاری آزمون‌های آزمایشی از کنکور درآمدزایی می‌کند. این سازمان همچنین یک انتشارات مخصوص کتاب‌های کنکور تأسیس کرده و کتاب‌های کمک‌آموزشی و تست‌زنی منتشر کرده و ۱۵۰ نوع آزمون آزمایشی برای کنکورهای مختلف برگزار می‌کند (فردوس، ۱۳۹۷).

صدا و سیما از دیگر بازیگران مهم بازار کنکور است. حدود ۱۳ برنامه مرتبط با کنکور در صدا و سیما پخش می‌شود که ۱۲ برنامه تلویزیونی و یک برنامه رادیویی را دربر می‌گیرد. با توجه به زمان‌بندی پخش این برنامه‌ها در طول هفته در مجموع ماهیانه ۲۵۲ ساعت برنامه آموزشی کنکور از صدا و سیما پخش می‌شود. مجموع درآمد این برنامه‌ها نزدیک به ۵۷۷ میلیارد تومان در ماه است که این مبلغ جدای از درآمد از تبلیغات کلاس‌ها و مؤسسات کنکوری است (فردوس، ۱۳۹۷).

جدول ۳: تعرفه برنامه‌های کنکور صدا و سیما در شبکه‌های مختلف (همان)

شبکه	برنامه	میانگین تعرفه (ثانیه)	میانگین تعرفه (ساعت)
شبکه دو	اوج یادگیری-گزینه دو	۱۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان	۴۳۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان
شبکه سه	مسیر موفقیت-گزینه جوان	۱۵۲ هزار و ۵۰۰ تومان	۵۴۹ میلیون
شبکه چهار	یادگیری آسان-گزینه ۴	۵ هزار تومان	۱۸ میلیون
شبکه پنج	آینده موفق	۴۴ هزار و ۵۰۰ تومان	۱۶۰ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان
شبکه استانی	یادگیری برتر	۱۳ هزار و ۵۰۰ تومان	۴۸ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان
شبکه آموزش	کارنامه ۲۰- فرصت برابر- مسیر برتر- زنگ هفت	۵ هزار تومان	۱۸ میلیون
رادیو جوان	کنکور جوان	۱۵۴ هزار و ۵۰۰ تومان	۵۵۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان

با توجه به تعداد شرکت‌کنندگان کنکور تجربی و رقابت بالا در این رشته می‌توان به این نتیجه رسید بخش عمده‌ای از بازار کنکور حول رشته تجربی تجمع پیدا کرده است. رقابت در این رشته بواسطه بازار کار پزشکی پدید آمده و بازار پزشکی نیز تحت تأثیر اقتصاد سیاسی مسلط شکل گرفته است. برای مثال طرح تحول سلامت یکی از دلایل رونق هرچه بیشتر پزشکی شد. این طرح در سال ۱۳۹۳ اجرا شد و طی آن دستمزد پزشکان در نظام بیمه سلامت از ۵۸۷ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲ به ۲ هزار و ۵۲۸ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵ افزایش یافت. افزایش تعرفه‌های پزشکی برای حل معضل پرداخت‌های غیرقانونی یکی از اهداف این طرح بود که با افزایش دستمزد پزشکان دنبال شد. این تصمیم به افزایش ۴ برابری هزینه‌های سازمان بیمه سلامت در زمینه دستمزد پزشکان منجر شد. سهم دستمزد پزشک از حدود ۳۱ درصد هزینه‌های بیمه سلامت در سال ۹۲ به ۳۷ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید اما مشکل پرداخت‌های غیرقانونی نیز رفع نشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶: ۱۸).

از این به بعد درآمد پزشکان به یک حساسیت عمومی بدل شد و لزوم پرداخت مالیات از سوی پزشکان و مقاومت برخی اصناف پزشکی به آن دامن زد. براساس بند ۶ تبصره ماده ۶ ماده واحده بودجه سال ۱۳۹۸ اصناف پزشکی مکلف به نصب پایانه فروشگاهی [کارتخوان] برای محاسبه درآمد و پرداخت مالیات شدند (قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور، ۱۳۹۸). مخالفت برخی اصناف پزشکی با این رویه به تصور درآمد نجومی پزشکان و فرار مالیاتی آن‌ها دامن زد. دیوان محاسبات در گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۹۹ اعلام کرد «نتایج بررسی‌ها بیانگر آن است که از تعداد ۱۵۵ هزار و ۵۷۲ نفر مشمولین شناسایی شده، صرفاً تعداد ۵۴ هزار و ۴۹۰ نفر معادل ۳۵ درصد مشمولین در سامانه مالیاتی ثبت‌نام نموده‌اند. لازم به توضیح است انجام ثبت‌نام مذکور به منزله استفاده از پایانه‌های فروشگاهی نیست» (دیوان محاسبات کشور، ۱۴۰۰).

موضوع کنکور و جمعیت پشت کنکور رشته تجربی بحث ظرفیت پزشکی دانشگاه‌ها را در سیاست‌گذاری آموزش برجسته کرده است. وزارت بهداشت مخالف افزایش ظرفیت پزشکی است و برخی از نیروهای سیاسی از جمله تعدادی از نمایندگان مجلس به دنبال افزایش ظرفیت پزشکی دانشگاه‌ها هستند. برخی افزایش ظرفیت را برای جلوگیری از مهاجرت جوانان پشت کنکور تجربی ضروری می‌دانند و گروهی بحث افزایش ظرفیت را به مافیای کنکور برای رونق بازار خود نسبت می‌دهند. در نهایت شورای عالی انقلاب فرهنگی افزایش سالانه ۲۰ درصد ظرفیت پزشکی تا ۴ سال آینده را تصویب کرد که در کنکور سال ۱۴۰۱ اعمال می‌شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۰). مباحث مربوط به تبلیغات کنکور تجربی، ظرفیت پزشکی و مالیات پزشکان و طرفین

مدعی نشان از عرصه‌ای سرشار از منافع دارد، زیرا کاهش یا افزایش ظرفیت و پرداخت مالیات در سایر رشته‌ها بازتاب سیاسی و اجتماعی با این ابعاد ندارد.

فراتر از این، نگاه پزشکی به تغییر مناسبات اجتماعی دست برده است. برای مثال زیبایی به مقوله‌ای پزشکی بدل شده و با تطبیق سلامتی و زیبایی مشروعیت پزشکی برای ورود به این عرصه توجیه شده است و انواع مشاغل در حوزه زیبایی با محوریت پزشکی پدید آمده است؛ از مشاوره پوست و مو، انواع جراحی‌ها، رژیم غذایی و داروهای بهداشتی و درمانی در این مورد قابل اشاره است. بر اساس گزارش انجمن بین‌المللی جراحی زیبایی^۱ در سال ۲۰۱۳ ایران با ۱۷۵ هزار عمل جراحی و روش غیرجراحی زیبایی، دهمین کشور دنیا در تعداد عمل‌های زیبایی است (۲۰۱۴: ۳). ایران با ۰.۱٪ جمعیت جهان، ۱/۵ درصد عمل‌های زیبایی سر و صورت جهان را به خود اختصاص داده است، این رقم برای عمل پستان ۰.۸٪ است. در مجموع ۰.۷٪ درصد جراحی‌ها و روش‌های غیرجراحی زیبایی جهان در ایران انجام می‌شود و از نظر تعداد عمل‌های جراحی بینی در دنیا پنجم است (همان). گزارش سال ۲۰۲۱ این انجمن به تعداد عمل‌ها در ایران اشاره نکرده اما براساس برآورد آن‌ها، از نظر تعداد جراحان پلاستیک رتبه ۲۷ دنیاست (۲۰۲۱: ۳۶). این آمار شامل انواع روش‌های زیبایی از جمله کاشت مو یا لیزر موهای زائد و بوتاکس است که به نظر می‌رسد تعداد آن در ایران بسیار بیشتر از رقم این گزارش است.

اعتیاد نیز بر همین قیاس از پدیده‌ای اقتصادی اجتماعی به مقوله‌ای پزشکی بدل شده و به سم‌زدایی تقلیل داده شده است. براساس آمار رسمی بیش از ۷۵۰۰ مرکز ترک اعتیاد در ایران وجود دارد که با پروانه طبابت پزشکی تأسیس شده‌اند و ۹۵ درصد آن‌ها خصوصی هستند (صفتیان، ۱۴۰۲). این مراکز عموماً از سوی پزشکان عمومی تأسیس می‌شوند اما تأثیری در ترک اعتیاد نداشته‌اند. «هم‌اکنون تعداد معتادانی که در مراکز ترک اعتیاد تحت درمان هستند نه تنها کم نمی‌شود بلکه روز به روز تعداد آنها بیشتر می‌شود که یکی از دلایل آن سودآوری درمان معتادان برای این مراکز است» (غفارزاده، ۱۳۹۶). اعتیاد پدیده‌ای چندوجهی است که عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آن نقشی اساسی دارند، اما تقلیل آن به عارضه‌ای پزشکی آن را به فرایندی زیستی تقلیل می‌دهد که پزشکی صلاحیت درمان آن را دارد. از سویی هم درآمدزایی برای پزشکی است و از طرفی ابعاد سیاسی اقتصادی آن را پنهان می‌کند و به همین دلیل اعتیاد با این روش هرگز کاهش نمی‌یابد زیرا درمان پزشکی به بنیان این پدیده اصابت نمی‌کند.

روان‌شناسی و روان‌پزشکی نیز به عرصه‌های مختلف زندگی که ابعاد اقتصادی و سیاسی دارند وارد شده و دستورالعمل‌های جزئی برای مواجهه فردی با پدیده‌های جمعی معرفی می‌کند؛ از مشاوره‌های خانوادگی و تحصیلی و شغلی گرفته تا تمرین‌ها و تسکین‌های فردی از این جمله هستند. روان‌شناسی‌سازی نیز از منطلق پزشکی‌سازی تبعیت می‌کند؛ تقلیل پدیده‌های اجتماعی با وجوه اقتصادی و سیاسی به امری فردی. در این حیطه به‌جای تحلیل زمینه‌های کلان مناسبات و ترتیبات بر افراد، خود او را مسئول وضعیت‌اش معرفی می‌کنند و به این ترتیب افراد باید برای بهبود وضعیت خود به مهارت‌های فردی مسلح شوند که روان‌شناسی معرفی می‌کند. این وضعیت به رونق روان‌شناسی منجر می‌شود، زیرا بازاری پرسود فراهم می‌آورد تا جایی که برخی «کار مشاوران و تراپیست‌های خودمراقبه‌گر را «پرورش آسیب‌پذیری»^۲ در مراجعان دانسته‌است» (باندی، ۲۰۰۵). زیرا تکثیر موقعیت‌های آسیب‌پذیری به رونق بازار منجر می‌شود. رشد قابل ملاحظه دانشجویان روان‌شناسی گواهی بر این ادعاست. در حالی که در سال ۱۳۹۲ حدود ۶۰ هزار دانشجوی روان‌شناسی در مراکز آموزش عالی در حال تحصیل بوده‌اند (عامری، ۱۳۹۲) تعداد دانشجویان روان‌شناسی و مشاوره در

^۱ . ISAPS

^۲ . cultivation of vulnerability

سال ۹۸ به حدود ۲۵۰ هزار نفر رسیده است (حاتمی، ۱۳۹۸). دانشجویان روان‌شناسی می‌توانند از داوطلبان رشته‌های علوم انسانی یا تجربی باشند و استقبال دانشجویان از روان‌شناسی نیز تابع منطق گرایش به رشته تجربی است؛ روان‌شناسی‌سازی بخشی از پزشکی‌سازی است. توجه به روان‌شناسی و استقبال از آن گواهی بر ادعای این مقاله در اهمیت پزشکی‌سازی برای گرایش به رشته‌های مختلف در کنکور است. با افزایش رقابت در این رشته‌ها، توجه بازار برای کسب سود از این رقابت به آن جلب می‌شود و از این جهت هر رشته دیگری می‌تواند براساس این منطق ارزیابی شود.

در مطالعه بودجه اختصاصی به درمان و بهداشت نیز می‌توان ردپای پزشکی‌سازی را مشاهده کرد. براساس لایحه بودجه ۱۴۰۲ کل کشور، سهم درمان از بودجه سلامت ۷۹ درصد و سهم بهداشت ۲۱ درصد است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲). تحلیل بودجه سلامت کشور و اولویت درمان به بهداشت بخش مهمی از رویکرد غالب بر نظام سلامت در ایران را که تحت تأثیر پزشکی‌سازی است، آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

ادعای اصلی این مقاله تبیین گرایش به رشته تجربی با فرایند پزشکی‌سازی است. پزشکی‌سازی با رونق بازار پزشکی، افراد را به خود جذب کرده و عطش بهره‌مندی از امتیازات این رشته، آموزش لازم برای دسترسی به آن را نیز به بازاری مجزا بدل کرده است؛ بازار کنکور. براین اساس پزشکی‌سازی فرایندی است که مناسبات مستقر اقتصادسیاسی را تغییر داده است و دست‌کم در آموزش به خصوصی‌سازی پرشتاب منجر شده است.

بخش عمده این مقاله مصروف توصیف ابعاد خصوصی‌سازی آموزش و نابرابری در آن شد که شاهدهی برای یکی از پیامدهای پزشکی‌سازی فراهم بیاورد. وضعیت آموزش و آمار عملکرد نابرابر دانش‌آموزان در این مقاله، توضیح فرایندی است که پزشکی‌سازی از رهگذر آن خود را تثبیت کرده و نظم موجود را تغییر داده است.

در واقع دسترسی به بازار پزشکی به رقابتی شدید منجر شده که موفقیت در آن نیازمند آموزش با کیفیت است. آموزش عمومی در ایران رایگان است، اما رقابت برای دسترسی به امتیازات مالی رشته پزشکی باعث شده افراد از هم سبقت بگیرند، لذا بازاری شکل گرفته که آموزش لازم برای دسترسی به آن امتیازات را می‌فروشد و به نوبه خود آموزش را به کالا بدل کرده است. پس کلاس‌های خصوصی و تقویتی و کنکور و کتاب و ناشر و معلم و رسانه را نیز مشغول خود کرده است. گروهی محرومان این رقابت هستند و کسانی که تمکن خرید آموزش را دارند از مکتسبان این بازارند. این پدیده خود مهم‌ترین گواه پزشکی‌سازی جامعه است. معنای مرسوم پزشکی‌سازی، تسخیر یا تقلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی به امر پزشکی است که پیامد آن گذاردن بار مسئولیت به دوش فرد و تبریّه سیاست از وظایف عمومی است و آنچه در بازار کنکور رخ داده از مثال‌های تمام‌عیار این فرایند است.

نسبت سه فرایند پزشکی‌سازی، خصوصی‌سازی و استقبال از رشته تجربی را نمی‌توان در قالب مدلی علی‌نشانده، اما تقدم تاریخی با خصوصی‌سازی است که خود بخشی از فرایندی کلان‌تر در اقتصادسیاسی است که به نئولیبرالیسم معروف شده است. این پدیده منظومه‌ای سازگار از مناسبات است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خاص خود را داراست.

از این منظر خصوصی‌سازی و پزشکی‌سازی دو روی یک پدیده هستند؛ خصوصی‌سازی با کالایی‌سازی آموزش، افراد را در رقابتی فرساینده برای خرید آموزش با کیفیت رها کرده است و همزمان با پزشکی‌سازی مناسبات، این چرخه را تقویت کرده است. با این اوصاف می‌توان گفت نئولیبرالیسم به مثابه اقتصادسیاسی مسلط، نظم موجود را تعیین کرده و مناسبات اجتماعی را در این راستا تغییر

داده است. «پزشکی‌سازی» با نئولیبرالیسم نوعی «قربانتخابی» پیدا کرده و همدیگر را تشدید می‌کنند. نئولیبرالیسم با تعریفی کلی، رهاسازی دولت از وظیفه تأمین خدمات عمومی و انداختن مسئولیت آن به دوش فرد است. پزشکی‌سازی - و به طریق اولی خصوصی‌سازی - نیز در همین راستا عمل می‌کند و پدیده‌های اجتماعی را از وجه اجتماعی تهی کرده و پدیده‌ها را فردی کرده و سیاست را از کارکردهای اجتماعی عمومی تبریته می‌کند. در این مقاله مفهوم پزشکی‌سازی، فقط رویکرد پزشکی به مسائلی نیست که ریشه‌های اجتماعی دارند، بلکه آن نگاهی است که وجه سیاسی را از مسائل اجتماعی می‌زداید. برای مثال اعتیاد به بیماری تقلیل داده می‌شود و نقش سیاست (به معنای عام اقتصادسیاسی) در آن نادیده انگاشته می‌شود یا بیماری سرطان به یک عارضه جسمی تقلیل داده می‌شود و نقش مناسبات توزیع منابع (اقتصادسیاسی) در ابتلای افراد نادیده گرفته می‌شود. سیاست هم از این فرایند استقبال می‌کند زیرا سازگار با نگاه نئولیبرال، تبریته سیاست و رویکرد فردگرایانه به پدیده‌هاست.

منابع

- احمدی، غلامعلی؛ عباس‌زاده شهری، طاهر و همکاران (۱۳۹۵). *مروری بر نحوه تأمین منابع مالی در آموزش و پرورش*. کنفرانس مدیریت نخبگان
- بطحائی، محمد (۱۳۹۷). *موسسات کنکور ۴۰ هزار میلیارد تومان گردش مالی دارند*. خبرگزاری دانشجو smn.ir/0031ea
- برنامه توسعه ششم (۱۳۹۶). *بند الفماده ۲۵ بخش ۴*. (۱۴۰۰/۷/۱۱) <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>
- پیروزراهی، ز. (۱۴۰۰). *مجموعه گزارش‌های فقر چندبعدی: فقر آموزشی در ایران*. دفتر مطالعات اجتماعی، تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- حاجی‌میرزایی، م. (۱۴۰۰). *وزیر آموزش و پرورش* mshrgih.ir/1172211 (۱۴۰۰/۷/۱۲)
- حاتمی، محمد (۱۳۹۸). *مصاحبه با ایرنا*. رئیس سازمان نظام روان‌شناسی ایران. <https://irna.ir/xjwLmW>
- حسن‌زاده، ن. و راغفر، ح. (۱۳۹۲). *اندازه‌گیری فقر چندبعدی در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه الزهراء: دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- دیوان محاسبات کشور (۱۴۰۰). *گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۹۹* <https://www.dmk.ir/dorsapax/userfiles/file/1399.pdf> (۱۴۰۰/۷/۱۰)
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۹). *گزارش تحلیلی بودجه بخش آموزش و پرورش عمومی*. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری. گزارش شماره ۱۶۰
- سلیمی، یوسف؛ فرهادی، محمد و امیری، نادر (۱۴۰۱). *اقتصادسیاسی سرطان در ایران*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲۳(۳)، ۱۰۷-۱۳۰ <https://doi.org/10.22034/jsi.2023.546410.1521>
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۴۰۰). *خبرگزاری فارس* <http://fna.ir/5zuo4> (۱۴۰۰/۶/۱۷)
- صفتیان، سعید (۱۴۰۲). *آمار مراکز ترک اعتیاد کشور*. خبرگزاری ایرنا <https://irna.ir/xjJSWN>
- عامری، حسین (۱۳۹۲). *آمار دانشجویان کشور*. مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم. <https://tn.ai/141580>
- غفارزاده، جلال (۱۳۹۶). *معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی استان البرز* <http://fna.ir/JLTER8>
- فردوس، فاطیما (۱۳۹۷). *صد و سیما بزرگترین حامی کنکور* khabaronline.ir/x8Zf2 (۱۴۰۰/۵/۱۷)

- فرهادی، محمد (۱۴۰۲). روان‌شناسی‌سازی در تلویزیون؛ تحلیل گفتمان برنامه کتاب‌باز. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. ۱۵(۱). ۱۶۹-
[10.22059/JSAL.2023.367240.666282](https://doi.org/10.22059/JSAL.2023.367240.666282) ۱۸۹
- فرهادی، محمد و میری، ندا (۱۴۰۲). رابطه بودجه دولتی و توسعه اقتصادی-اجتماعی استان‌های کشور. *مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. ۱۴(۵۶). ۱۲۱-۱۴۲ .
[10.22054/qjsd.2022.65870.2309](https://doi.org/10.22054/qjsd.2022.65870.2309)
- قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور (۱۳۹۸). بند د تبصره ۲۰ ماده واحده قانون بودجه ۱۳۹۸
<https://shenasname.ir/budjet/budjet98/4962-budjet98> (۱۴۰۰/۷/۱۰)
- کاپوراسو، ج. ای. و لوین، د. بی. (۱۳۹۸). *نظریه‌های اقتصادسیاسی*، ترجمه محمد عبدالله‌زاده. چ ۳. نشر ثالث: تهران.
- کریمیان، جلال و مقدسی، فاطمه (۱۳۹۹). مجموعه گزارش‌های فقر، نابرابری و تعارض منافع؛ فقر و نابرابری در آموزش و پرورش، دفتر مطالعات اجتماعی. تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- لایحه بودجه ۱۴۰۲ کشور (۱۴۰۱). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1757425>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵). *گونه‌شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران*، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- مقدسی، ف. و کریمیان، ج. (۱۳۹۹). *تحلیل سیاست‌گذاری آموزش در ایران با تأکید بر عدالت آموزشی*. دفتر مطالعات اجتماعی، تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۴۰۰). *بررسی و تحلیل آماری رتبه‌های برتر کنکور ۱۳۹۹ با رویکرد برابری و عدالت آموزشی*، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۹). *فقر و نابرابری در آموزش و پرورش*، تهران: مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه.
- Bondi, L. (2005). Working the Spaces of Neoliberal Subjectivity: Psychotherapeutic Technologies, Professionalization and Counselling. *Antipode*, 37(3), 497-514.
<https://doi.org/10.1111/j.0066-4812.2005.00508.x>
- 1402 budget law of the country (1401). *Islamic Council Research Center*.
<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1757425>. (In Persian)
- 2018 budget law of the country. (2018). Paragraph D, Note 20, Article One of the Budget Law 2018.
<https://shenasname.ir/budjet/budjet98/4962-budjet98> (10/7/1400). (In Persian)
- Ahmadi, Gholam Ali; Abbaszadeh Shahri, Taher et al. (2015). An overview of how to provide financial resources in education. *Elite Management Conference*. (In Persian)
- Ameri, Hossein (2012). *Statistics of the country's students*. Monitoring and Evaluation Center of the Ministry of Science. <https://tn.ai/141580>. (In Persian)
- Batahai, Mohammad (2017) concour institutes have a financial turnover of 40 thousand billion tomans. *Student news agency*. snn.ir/0031ea. (In Persian)
- Coleman, J. S (1966). *Equal School or Equal Students?*
https://www.nationalaffairs.com/public_interest/detail/equal-schools-or-equal-students
- Conrad, P (2007). *The Medicalization of Society; On the Transformation of Human Conditions into Treatable Disorders*. Baltimore: The Johns Hopkins University Press.
- Farhadi, Mohammad; Miri, Neda (1402). The relationship between the government budget and the socio-economic development of the country's provinces. *Welfare Planning and Social Development Journal*. 14 (56) .
[10.22054/qjsd.2022.65870.2309](https://doi.org/10.22054/qjsd.2022.65870.2309) . (In Persian)
- Farhadi, Muhammad (1402). psychologicalization on television; Discourse analysis of book opener program. *Sociology of art and literature*. 15(1). 169-189 [10.22059/JSAL.2023.367240.666282](https://doi.org/10.22059/JSAL.2023.367240.666282). (In Persian)
- Ferdous, Fatima. (2017). Television is the biggest supporter of Konkur. Khabaronline.ir/x8Zf2 (17/5/1400). (In Persian)

- Ghafarzadeh, Jalal (2016). Vice President of Food and Drug of Alborz University of Medical Sciences <http://fna.ir/JLTER8>. (In Persian)
- Haji Mirzaei, M. (1400). Minister of Education. <mshrgh.ir/1172211> (12/7/1400). (In Persian)
- Hassanzadeh, N.; Raghofer, H. (2012). *Measuring multidimensional poverty in Iran. Master's thesis*, Al-Zahra University: Faculty of Social and Economic Sciences. (In Persian)
- Hatami, Mohammad (2018). Interview with IRNA. Head of the Organization of Psychological System of Iran. <https://irna.ir/xjwLmW>. (In Persian)
- Islamic Council Research Center (2015). *Typology of schools in Iran's education system*, Tehran: Islamic Council. (In Persian)
- Kapuraso, J. Oh you.; Levin, D. Pi (2018). *Political economy theories*, translated by Mohammad Abdullahzadeh. Ch3. Third publication: Tehran. (In Persian)
- Karimian, Jalal and Moghdisi, Fatemeh (2019). Collection of reports on poverty, inequality and conflict of interest; Poverty and Inequality in Education, *Bureau of Social Studies*. Tehran: Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare. (In Persian)
- Lasswell, H. D (1936). *Politics: Who Gets What, When, How*. New York: Whittlesey House.
- Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare (2019). Poverty and inequality in education, Tehran: *Governance and Society Empowerment Center*. (In Persian)
- Ministry of Education. (1400). Statistical review and analysis of the top ranks of the entrance exam of 2019 with the approach of equality and educational justice, *Vice-Chancellor of Planning and Development of Resources*. Tehran: Ministry of Education. (In Persian)
- Moghdisi, F.; Karimian, J. (2019). Analysis of education policy in Iran with emphasis on educational justice. *Office of Social Studies*, Tehran: Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare. (In Persian)
- Muncie, J (2006). Critical Research. In *The Sage Dictionary of Social Research Methods*. Victor J (Ed). Sage Pub: London.
- Pirozrahi, Z. (1400). The collection of multidimensional poverty reports; Educational poverty in Iran. *Office of Social Studies*, Tehran: Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare. (In Persian)
- Program and budget organization (2019). Analytical report of the budget of the public education department. *Development and Foresight Research Center*. Report No. 160. (In Persian)
- Safatian, Said (1402). Statistics of addiction treatment centers in the country. IRNA news agency <https://irna.ir/xjJSWN>. (In Persian)
- Salimi, Yusuf; Farhadi, Mohammad; Amiri, Nader (1401). Political economy of cancer in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 23(3), 107-130 <https://doi.org/10.22034/jsi.2023.546410.1521>. (In Persian)
- Sixth Development Program (2016). Clause 25 of Al-Fadah, Section 4. (11/7/1400) <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>. (In Persian)
- State Accounting Court. (1400). 2019 budget deduction report <https://www.dmk.ir/dorsapax/userfiles/file/1399.pdf> (10/7/1400). (In Persian)
- Supreme Council of Cultural Revolution (1400). Fars News Agency. <http://fna.ir/5zuo4> (6/17/1400). (In Persian)
- Supreme Council of Cultural Revolution. (2018). Document on the Fundamental Transformation of Education, Tehran: *Supreme Council of Cultural Revolution*. (In Persian)
- Türken, S.; Nafstad, H, E.; Rolv, M, B. & Roen, K (2016). Making Sense of Neoliberal Subjectivity: A Discourse Analysis of Media Language on Self-development, *Globalizations*, 13:1, 32-46, <https://doi.org/10.1080/14747731.2015.1033247>
- Verger, A; Fontdevila, A; Zancajo, Z (2016). *The privatization of education; a political economy of global education reform*. London: Teachers College Press.